

آقا نجفی (محمدتقی نجفی) [ط ۲]

[رهبر دینی] [آیت‌الله]

۱۲۶۲ق/۱۲۲۵ش/۱۸۴۶م - ۱۳۳۲ق/۱۲۹۳ش/۱۹۱۴م

فرزند آیت‌الله العظمی شیخ محمدباقر نجفی و مادرش بانو سیده زمزم بیگم موسوی عاملی فرزند آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی بود. عالمی سیاستمدار و رهبر دینی مردم اصفهان در نیمه‌ی اول قرن چهاردهم هجری قمری بود. در اصفهان به دنیا آمد. دروس اجتهادی خود را از حدود سال ۱۲۸۱ق به بعد در عراق نزد آیات عظام میرزا حسن شیرازی، شیخ مهدی کاشف‌الغطاء و شیخ راضی نجفی گذراند. همزمان نزد آیات‌الله سید علی شوشتری و میرزا علی خلیلی تهرانی عرفان و اخلاق و ریاضت‌های شرعیه آموخت. از پدرش و آیت‌الله شوشتری اجازه‌ی نقل حدیث داشت. بسیار باهوش بود و خوش حافظه. گویا قبل از سال ۱۲۹۰ق به اصفهان بازگشت. بعد از درگذشت پدرش در سال ۱۳۰۱ق، زعامت دینی مردم اصفهان را متصدی شد. اشتغال عمده‌اش تدریس بود و اقامه‌ی جماعت و رسیدگی به وضع اجتماعی و سیاسی جامعه. محل اقامه‌ی جماعتش ابتدا مدرسه‌ی ملا عبدالله بازار بود و سپس مسجد شاه. جلسات تدریسش نیز همانجا منعقد می‌شد. بیشتر فقه می‌گفت، مقداری هم تفسیر و کلام. شاگردان زیادی تربیت کرد. آیات‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی، حاج آقا حسین بروجردی، سید حسن روضاتی، ملا محمدجواد صافی گلپایگانی و سید حسن نجفی قوچانی از مشاهیر شاگردانش بودند. اهل افتاء و فتوایش همواره موافق رأی مشهور فقهاء بود. عاشق اهل بیت (ع) و از مهمترین مروجین مراسم عزاداری و روضه‌خوانی بود. شخصیت اجتماعی و سیاسی‌اش تدریجاً بر جایگاه علمی‌اش غلبه یافت. هم علیه استبداد ایستاد، هم علیه استعمار، هم علیه انحرافات دینی. از همان ابتدا با مظالم ظل‌السلطان در حکومت اصفهان درگیر و غالباً پیروز میدان بود. بر اجرای حدود و امر به معروف و نهی از منکر مراقبت فراوان داشت. در جریان جنبش تنباکو به سال ۱۳۰۹ق اولین عالم کشور بود که به مقابله با شاه و دولت برخاست. میرزای شیرازی نیز ظاهراً به توصیه‌ی او بود که فتوای تحریم استعمال تنباکو را صادر کرد. سال ۱۳۱۶ق از تأسیس شرکت اسلامیة حمایت همه‌جانبه کرد تا وابستگی شهروند ایرانی به محصولات خارجی به حداقل برسد. در برابر فعالیت فرقه‌های انحرافی بایه و بهاییه هوشیار بود و دو بار طی سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۲۱ق تحرکات آنها را با قاطعیت سرکوب کرد. هر دو بار

توسط شاه به تهران احضار شد و هر دو بار با عزت و اقتدار بیشتر به اصفهان بازگشت. جایی که ضرورت می‌دانست، از تکفیر و تفسیق افراد ابا نداشت. در جریان جنبش مشروطیت به سال ۱۳۲۴ق اگرچه باطناً با آزادی‌خواهان همراه نبود، اما عملاً موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد و مواضع مشروطه‌خواهی‌اش در حداقل ضرورت بود. در عقل و کفایت و تدبیر ضرب‌المثل مردم روزگارش بود. خوش‌نفس بود و مهربان و متواضع و مردم‌دار. خود را در غم و شادی مردم سهیم می‌دانست. نسبت به مسلمان و غیرمسلمان (جز بابی‌ها و بهائی‌ها)، دوست و حتی دشمن احساس مسئولیت داشت. متمول بود و در همان حال بسیار سخاوتمند. در رفع نیاز گرفتاران کوشا بود. در برابر شدائد روزگار بسیار صبور و مقاوم بود. در برابر مخالفینش بردبار بود و اهل گذشت. مردم او را پناهگاه خود می‌دانستند. در حد پرستش محبوب دل طبقات مختلف اجتماع بود. تألیفات متعددی از خود به یادگار گذاشت که «دلایل الأحکام»، «تعلیقات علی فرائد الأصول»، «مفتاح السعادة» و «اشارات ایمانیة» نمونه‌هایی از آن است. طبع شعر داشت و اشعاری در زبان فارسی از وی باقی مانده است. به سن شصت و هشت سالگی (شمسی) در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ای به نام خودش کنار امامزاده احمد به خاک سپرده شد. روز رحلتش یازدهم ماه شعبان بود.

[منابع: احوال و آثار شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی و خاندانش؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان (۱)؛

رجال اصفهان؛ گزیده‌ی دانشوران و رجال اصفهان؛ نسب‌نامه‌ی الفت (۲)]

سیده آمنه (بنت‌الهدی) صدر [ط ۳]

[نویسنده]

۱۳۵۶ق/۱۳۱۶ش/۱۹۳۷م - ۱۴۰۰ق/۱۳۵۹ش/۱۹۸۰م

فرزند آیت‌الله سید حیدر صدر فرزند آیت‌الله العظمی سید اسماعیل صدر فرزند آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی بود. بانویی عالمه، شاعره و نویسنده بود. در کاظمین به دنیا آمد. چند ماهه بود که پدرش را از دست داد. علوم دینی و حوزوی را شامل ادبیات، فقه، اصول، حدیث، علوم قرآنی، تفسیر و تاریخ، نزد دوبرادرش آیات معظم سید اسماعیل صدر و خصوصاً سید محمدباقر صدر فرا گرفت. در عرصه‌ی اجتماع و فرهنگ حضوری فعال داشت. برای تربیت دینی بانوان و جوانان اهمیت فراوانی قائل بود. مدیری فعال،